



همین آگاهی مضاعف او را به مرز جنون رسانده است. آدم‌ها در واقع خوشبخت سرکشند؛ دشمنان را از میان می‌برازند. روابط انسانی پیوند نمی‌سازد، بلکه قربانی می‌گیرد.

فاخر افزود: شخصیت قریه و چاق مراد، با بازی فرهاد اصلانی، در برابر همسر بازی لاغرشار، یک پارادوکس صحنی و روان‌شناختی می‌سازد که در ذهن سادگی، بار دراماتیکی و زیبایی‌شناختی فیلم را شکل می‌دهد. این تضاد نه فقط در سطح بدن و ظاهر، بلکه در ساخت روان و رابطه نیز معنا می‌یابد؛ مردی که به‌رغم جایگاه، نادانی و اقتدار ظاهری و در درونش از ترس از دست دادن، احساس سقاری و اضطراب عصبی عریض رنج می‌گیرد.

مخاطب این هراس را با روشنی‌شنی حس می‌کند؛ پیروز خردی برای پس از مرگش نیز برای همسرش اضطراب دارد؛ گویی عشق برایش نه پناه، بلکه شکنجه‌ای درونی است.

وی گفت: شخصیت اصلی فیلم، پیروز، در ظاهر روان‌پزشک است، اما در واقع بیماری است که در لاک خود فرو رفته و نمی‌تواند با گذشته و احساس گناهش روبرو شود. او همانند لاک‌پشت، در حصار ذهنی خود به کندی و تکرار گرفتار شده است. فیلم با روایتی تدریجی و رازآلود، مخاطب را در سفری ذهنی به درون توهم و واقعیت می‌برد تا در پایان به درک تازه‌ای از جنون و آگاهی برسد.

این منتقد تأکید کرد: فیلم از زوایای جامعه‌شناختی نیز قابل خوانش است. لاک پشت در این جانماد جامعه‌ای است که از ترس مواجهه با واقعیت‌های تلخ، در خود فرو رفته است. همه‌ی شخصیت‌ها، از پیروز تا گیتی، در لاک‌های شخصی و روانی خود زیست می‌کنند و ارتباط واقعی میان آن‌ها از بین رفته است.

او در پایان خاطر نشان کرد: لاک پشت تصویری از انسان امروز است؛ انسانی کند، محتاط و ترسان که به جای رویارویی با رنج، در پوسته ای امن توهم پناه می گیرد. این عنوان، چکیده ی روان شناسی و جامعه شناسی فیلم است و نشان می دهد چگونه ذهن بیمار فردی می تواند بازتاب بیماری جمعی جامعه باشد.

باشند یا ناپاک گریه (کثی) که زمان زانگی، مشوره گریه می و فوای است. در مقابل (اکباشش) مثل (خود پیروز) که می ماند، جامی نمی رود و نمادهای متعددی که در سراسر فیلم خود نمایی می کرد. ظاهر پیروز در اثر فشارهای زیاد و اضطراب فلج کننده به یک اختلال خاوروانی مانند سایکوز گذرا مبتلا شده بود و این اختلال، تروم و دزدانهای قلمبر تمتمی را ابرایش ایجاد می کرد و در خلال این ترومات و دزدانها، اضطرابها و احساس گناه را به شکل شخصیت های آزارگر، تهدید کننده و سرزنش کننده تجربه می کرد.

علیهذا افزود: فیلم در نمایش مکانیسم های دفاعی و سازگاری اضطرابی و مضامین جدایی و موقعیت های ادیبی و حسادت و غیرت، نسبتاً خوب عمل کرده، در تفسیر فضایی سایکوتیک و روان پریشانه و توانایی روانی که افراد مبتلا به روان پریشی از آن رخ می برد، می توانست عملکرد بهتری را داشته باشد.

وی تصریح کرد: در مانگرو بودن پیروز، ظاهر در فیلمنامه به جذابیت کردن و دوباره کردن مفاهیم فیلم کمک می‌کرد، ولی حتی اگر پیروز در مانگرو هم نبود استیسی به داستان وارد نمی‌شد و به نوعی شاید تکرار کلیشه‌ای «راشناسان هاخودشان دیوانه هستند» را تداعی کند. به نظر هدف نویسنده این بود که نشان دهد هر کس، با هر صفتی، ممکن است در شرایط بحرانی سلامت روانش آسیب ببیند.

روابط انسانی پیوند نمی‌سازد، بلکه قربانی می‌گیرد
محسن سلیمانی فاخر، کارشناس و منتقد فیلم با اشاره
به معنای نمادین عنوان فیلم گفت: لاک‌پشت در این اثر
صرفاً نام یک موجود نیست، بلکه استعاره‌ای از انسان
معاصر است؛ انسانی که از ترس رویارویی با واقعیت،
در لاک ذهنی و روانی خود پناه گرفته است.

وی ادامه داد: لاکپشت روایتی است از روان بیمار انسان مدرن در جامعه‌ای که در وضعیت فروپاشی روانی بسر می‌برد. انسان این جهان در مرز ناپیدای واقعیت و خیال سرگردان است؛ در جست‌وجوی معنا در جهانی بی‌ثبات، در حالی که گذشته، حال و آینده در ذهنش هم آمیخته‌اند. او زیادی می‌بیند، زیادی می‌فهمد؛ گویی

مشغولی افروزد فیلم از تمام الزامات زائر سایکودرام را به شکلی درست و استاندارد استفاده کرده است. فیلمنامه‌ای پشدلت دقیق و هنرمندی شدلی لاکپشت دراماتیکش را بر مبنای پودن چهارمکتب شخصیتی بنا کرده که نقطه‌ی مشترک همه‌ی آن‌ها شخصیتی اصلی فیلم است و با تکرار مثلث آغازین در پایان کار، دایره‌ی روایت خود را تکمیل کرده و تکلیف قهرمانش را مشخص می‌کند.

نویسنده به توضیح کرد: در بحث کارگردانی می‌شود به قاب‌بندی‌های پُرسواس کارگردان اشاره کرد که در مهم‌ترین محلودیت قصه یعنی معلود بودن لوکشین هانوری می‌کند ضمن این‌که هر قاب و آثار تلویزیونی متمایز می‌شوند از قبلیه و قاب و آغاز درونی برای تبیین سینمایی قصه و موقعیت‌ها. نهایت استفاده از مایه‌ی در جمله توصیف میزان پودن شخصیه‌ها نسبت به هم با قاب‌بندی‌های تکفهره (پویوسه در داخل ماشین) و حضور بر تکرار اینبعاد برای جای‌گیری در لحظه به دکت (شخصیت اصلی) و به تماشای یادآور می‌شود که از گریز نیست مواجهه با خوشن ندارد.

خوانش روان کاوانه از لاک پشت

در ادامه، دکتر طاهر علیزاده، دانش‌آزمودن فقهی، لایک‌پست از معدود فیلم‌های سایکودرام سینمایی ایرانی است که توجه علاقه‌مندان به روان‌کاوی و ادبیات ایران را برانگیخته است. عنوان لایک‌پست در ابتدا توجه ما را به مفهوم سپهر و زرز و یلهم رایشین با کسب‌نام رسمی دفاعی فروری می‌اندازد که افراد در مقابل اضطراب‌ها و احساسات غیرقابل تحمل از آن استفاده می‌کنند و بعدها همان دفاع غیرعقلانی از تلاش برای فرود بردن وجود می‌آورد. مثل خود شخصیت پیروز که از تقدیر سنگین شده بود که انگار که توان حرکت نداشت. آشوبی خود فرناز هم به این که دستورات انتخاب کرده که نتواند فرناز کند و همیشه در سیرش باشد، جلب توجه بود.

لاک پشت، مواجهه اضطراب و آگاهی است

و ی‌آدمه داد: فیلم به لحاظ نمادهای روان‌کاوانه غنی بود؛ مثلاً استفاده‌ی متعدد از تونل که می‌تواند نماد ناهشیار

در نشست نقد فیلم مطرح شد؛

«لاک پشت» خلاف جریان است؛ سینمای ایران از سایکودرام می‌ترسد

■ گروه فرهنگ و هنر - نشست نقد فیلم «لاک‌پشت» با حضور بهمن کامیار (کارگردان)، پیمان شوقی (نویسنده و منتقد)، دکتر طاهر علیزاده (روانشناس) و محسن سلیمانی فاخر (منتقد) صحنه‌ی مناظره‌ای دربار‌ی پیوند بحران‌های فردی و آسیب‌های اجتماعی در سینمای معاصر شد. از پارادوکس زوج‌های ناهمگون تا تحلیل نمادین لاک‌پشت به‌عنوان سپهر روانی انسان مدرن. کارشناسان با استناد به فیلمنامه و تصاویر فیلم، رخنه‌ی رنج فردی به بسترهای جمعی را عیان کردند و هشدار دادند که سینما می‌تواند هم بازتاب و هم آینه‌ی تلخ بحران‌ها باشد.

دست تان می لرزد.»

ی گفت: این تناقض بین شغل و بحر ایا و عدم توانایی مدیریت بحران در زندگی برای من جذاب بود. شیطنت برای باگوشی خودم بوده که هدفمند بود.

پایه دامنه خودم از اختلال در پیروزی است؛ یکی اختلال اضطراب است. آن هم از نوع اختلالی که باعث عذاب و جان و احساس گناه همراه است؛ دیگری اختلال و ترس از دست دادن است که به بار رابطه و زندگی قبلی اش برمی گردد و در روانشناسی به نظریات دلبستگی قابل تعمیم است. دلبستگی ای که همیشه با ترس از دست دادن همراه است. برای همین او همیشه دنبال تأیید گرفتن از همسرش است و عدم ای تأییدها اضطرابها را د چندانی می کند.

لاک پشت، فیلمی خلاف جریان و نزدیک به

سایکوپدرام

بیمان شوقی و یونسئده منتقد سینما گفت: سایکوپدرام، سبزی از بسیار محجوری در سینمای ایران است و به هم، کامیاب را و برکودش به این ژانر به مضمونی سینمای کامک کرده است. تمامیت خواهی سینما علاقه‌ای به دیده شدن فیلم‌های خلاف جریان ندارد و نه تنها کمالات تبلیغ و دیدنشان را از اعضا دریغ می‌کنند، بلکه در تریبون‌های رسمی هم به تخریب و تمسخر آنها می‌پردازند. پس فیلم‌های خلاف جریان پشتوانی از تماشاگران دشمنند ندارند که سلیقه‌اش بالاتر از جریان‌دوات رعبی است و می‌تواند فیلم‌های بارز را به هم‌فکرانش معرفی کند.

روایه‌ها می‌دهد: از بزرگی نقل است که هنرمندان بر بالاترین قطعی هر اجتماع نشستند و بحرانه‌ای پیش‌رو را در دیگ‌های می‌پینداد و اعلام می‌کنند. فیلم لاک‌بست انسان‌ستیم و مختصر و لب‌بسته را بستر می‌زدند. روایت می‌کند که بسیاری از جامعه‌شناسان آن را یکی از بحرانه‌ای اجتماع امروز ایران می‌دانند؛ یعنی تشکیل خانواده‌ای با سبب نامتناسب زوجین. کامیار در کنار کنش‌دار در روان‌شناسی، هوشمندانه نقی به به نگیزه‌های ناپدید از زوج‌ها در چنین پیوندهای نامتعارفی می‌دهد. خطرات و پنهان در رابطه‌ای مخفی زندگی‌های پرزرق و برق را هشدار می‌دهد.



می کند. این نگاه باعث شد فیلمنامه لاکپست را بنویسم. کامیار افزود: در فیلم دنبال یک کنترست بودم، حتی در ظاهر و فیزیکی پیروز با همسرش. در ابتدای فیلم بعد از پلان سیاه و سفید لاکپست ها، اولین پلان فیلم یک نمای او را هد بود که این زوج را می بینم. از همین ابتدا به تفاوتها تأکید می کنم؛ مردی فرهیخته و سبیل بازی با زن جوان، زیبا و لاغر اندام. چندی فرهاد صلاتی در فیلم بحثش در خدمت درام بود.

وی تصریح کرد: در عامه مردم تصوراتی غیر واقعی حاکم است؛ این که مثلاً پزشکان بیمار نمی شوند یا وکلا دچار مشکل حقوقی نمی شوند. در لایحه پست تأکیدم بر آن بود

که انسان ها وقتی با بحران مواجه می شوند، ناآگاهانه عمل می کنند. شخصیت پیروز با این که روان پزشک است، اما خود در مواجهه با مسائل زندگی سرگشته است. در سکانسی، شایان به پیروزی می گوید: «شما پزشکان وقتی بیمار می شوید، برای نسخه نوشتن برای خودتان

همین کارها، تهیه‌کننده و کارگردان فیلم گفت: سینمای ایران بعد از موفقیت فیلم جدایی‌اندار از سیمین تمثالی و درام‌های اجتماعی شد و بعد از آن سینما عملاً به دو ژانر تبدیل شد: فیلم‌ها یا یک‌سایه است که به‌طور کلی متأثر از اصغر فرهادی، هرچند که ما در معنای واقعی ژانر اجتماعی نداریم. کمبود ژانر باعث شده بود که هر فیلمسازي که سراغی غیر از این مضمون می‌رفت عملاً با یک پیش‌داوری روبرو می‌شد و مواجهه‌اش درجه برنده ژانر روان‌کاوانه و یک‌سایه که صرفاً مخاطب خاصی دارد. این فیلم‌ها عمدتاً کار یک‌سایه موفق نبودند و بیشتر محبوب مخاطب خاص و متعبدین بودند.

در لاک‌پشت، انسان زیر بار ذهنش له می‌شود
 وی ادامه داد: من در تجربه زیسته خودم، به دلیل شغل
 وکالت، با افرادی سرو کار دارم که بیش از آن که با واقعیت
 زندگی مواجه باشند، تحت مدیریت ذهنشان هستند و
 چقدر این رویکرد آسیب‌های متعددی بر زندگی وارد

مسیر پروازی کیش – دبی – کیش



روابط عمومی و امور بین الملل

شرکت هواپیمایی کیش



پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش

گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش

اقتصاد کیش

روزنامه